

آسیب شناسی نظام آموزشی ایران در خصوص ترویج فرهنگ وقف

سمیه سالار پور محمد مرادی^۱، ابراهیم خراسانی پاریزی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم تربیتی مدیریت آموزشی (نویسنده مسئول)

^۲ هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

چکیده

در هر نظام آموزشی، صرف نظر از محتوای برنامه درسی و نوع آموزش، تفاوت های شخصی همیشه عامل مهمی در موفقیت و ناکامی افراد در رسیدن به وضعیت مطلوب است. فراگیران یا سبک های یادگیری متفاوت وارد کلاس آموزش می شوند و معلمان نیز به طبع برخورداری از روش های تدریس مختلفی هستند که این تفاوت ها می تواند در ارتقاء کیفی محیط های آموزشی تأثیر بسزایی داشته باشد. در این پژوهش به آسیب شناسی نظام آموزشی ایران در خصوص ترویج فرهنگ وقف پرداختیم. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است نتایج نشان می دهد آسیب ها، آفات و موانعی که در سال های اخیر بر امر خداپسندانه وقف اثر منفی گذاشته و سبب کم توجهی مردم به آن: ممکن است برخی از وقف نامه ها در اثر گذشت سال ها کارایی خود را از دست داده باشد یا شکل هزینه کرد و نیت واقف نیاز به بروز رسانی داشته باشد. عمل نکردن به نیت واقف و یا تغییر نام موقوفات و توضیح شفاف و دقیق ندادن در مورد این کار سبب ایجاد بی اعتمادی میان افراد خیر و واقف برای وقف دارایی ها می شود. رسانه ها نیز با نشان دادن تصرف موقوفه یا تغییر در کاربری موقوفه در کنار ضعف در سیستم اطلاع رسانی آثار منفی زیادی مانند کاهش رغبت واقفان برای ثبت موقوفات جدید خواهد داشت. اگر مردم از برکات دنیوی و اخروی وقف مطلع شده و توجه کنند که چه افراد خیری اقدام به وقف مال و اموال خود کرده اند به انجام این کار خیر تشویق می شوند. در صورتی که نه تنها در رسانه ها، نشریات و مطبوعات به وقف کمتر اشاره شده حتی رسانه ملی و شبکه های اجتماعی و پلتفرم ها علیه حوزه نیکوکاری کارهای زیادی ارائه داده اند.

واژه های کلیدی: وقف، نظام آموزشی، آسیب شناسی، ترویج فرهنگ وقف

۱-مقدمه

امروزه نظام آموزشی به عنوان مؤلفه اساسی و بخش تفکیک‌ناپذیری از زندگی اجتماعی جوامع بشری در نظر گرفته می‌شود. زندگی اجتماعی انسان‌ها با آموزش و یادگیری گره خورده است؛ چنان‌چه توسعه همه‌جانبه هر کشوری بدون سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی امکان‌پذیر نمی‌باشد. نظام‌های آموزشی در نیا با موانع و مشکلاتی روبرو هستند که می‌تواند فرصت‌های آموزشی را تبدیل به تهدید و آسیب کند. نظام آموزشی در جامعه ایران نیز برای تحقق اهداف خود با موانع و آسیب‌های جدی مواجه است که آگاهی و شناخت نسبت به آن می‌تواند راهکارهای پیش‌روی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و مدیران نظام آموزشی قرار دهد تا به گونه بهتری و با شناخت بیشتری نسبت به مسائل و مشکلات و چالش‌های روبرو، برنامه‌ریزی و تصمیمات مثمری اتخاذ کنند.

نهاد وقف، نهاد ویژه‌ای است که در شریعت و حقوق اسلامی، دارای احکام و آثار خاص خود است. در سایر نظام‌های حقوقی بیگانه نیز تأسیسات و نهادهای حقوقی دیگری وجود دارد که طبق آن‌ها می‌توان اموال و عواید آن‌ها را برای هدف خاصی وقف نمود؛ هرچند نهادهای مشابه وقف از نظر آثار و احکام کاملاً منطبق بر وقف اسلامی به حساب نمی‌آیند اما به علت مشابهت در بسیاری از وجوه، قابل قیاس با آن می‌باشند. در کشورهای غیراسلامی به‌ویژه در غرب دو عنوان تراست و ایندومننت برای موقوفات علمی، به کاربرده می‌شود که عنوان دوم رواج بیشتری دارد.

پیشگیری را می‌توان یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی برشمرد که دربردارنده مجموعه راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و کج‌روی طراحی و تدوین می‌شود. ناشناختگی بسیاری از موقوفات، نبود بانک اطلاعاتی در دسترس عموم، عدم اجرای دقیق نیت واقفان، و موازی‌کاری نهادهای متناظر مانند کمیته امداد و بهزیستی و مؤسسات خیریه نیز هر کدام مشکلاتی چندوجهی دارند که یک وجه از آن، نارسایی‌های قانونی است. ضعف اعتقادی برخی مردم در پاسداشت موقوفات و سودجویی از موقوفات مغفول را البته نمی‌توان مستقیماً با وضع قانون رفع کرد اما بهبود قانون‌گرایی و اخلاق‌گرایی، و تقویت اجرای قانون، نیت‌های شوم و معطوف به صدمه‌رسانی به موقوفات را عقیم می‌گذارد. تفسیر نادرست از مفهوم نفع عمومی و خیر عمومی در اتخاذ برنامه برای بکارگیری اوقاف نیز تا حدی با رفع نواقص قانونی و شفاف‌سازی قانونی، کاهش می‌یابد.

جهت دستیابی به آثار و پیامدهای مثبت وقف در زندگی و شناسایی موانع و مشکلات موحود در ترویج و توسعه فرهنگ وقف در جامعه و ارائه راهکارهای عملی برای برطرف کردن موانع و مشکلات موحود در این زمینه، ضرورت انجام تحقیقات و پژوهش‌های گسترده توسط محققان و اندیشمندان امر بسیار احساس می‌شود. شاید بتوان گفت در حال حاضر به جز در چند کشور، در اکثر کشورهای اسلامی، اولاً؛ تحقیقات علمی و بنیادی آن طور که شایسته و لازم است صورت نمی‌گیرد، ثانیاً؛ وقف

و بنیادهای وقفی در انجام اینگونه امور، هنوز جایگاه اصلی خود را پیدا نکرده اند و بایستی در جهت تأسیس بنیادهای وقفی و خیریه که مصارف آن برای این گونه امور باشد، تلاش گسترده ای هم از طریق سازمان های اوقاف کشورهای اسلامی و هم از سوی صاحب نظران و نویسندگان و رسانه های جمعی صورت گیرد. وقف می تواند راهگشای حل مسائل و مشکلات و نیازهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی جامعه باشد. اما تأکید بیشتر بر امر توسعه علمی و تحقیقاتی از طریق وقف و بنیادهای وقفی به منظور رسیدن به توسعه ای پایدار است. زیرا؛ اگر قرار باشد ساختمان توسعه ی همه جانبه کشورمان شکل بگیرد، بایستی به پایه و اساس آن توجه کامل نماییم تا دوام و بقای آن را تضمین کند و گرنه کارهای روبنایی و ظاهر سازی و مونتاژ کاری و... ممکن است ظاهر پیشرفته ای به ما نشان بدهد ولی دوامی نداشته باشد و برای همیشه ما را وابسته به دیگران نگاه دارد و چاره ساز نباشد. لذا مسئله اصلی پژوهش آسیب شناسی نظام آموزشی ایران در خصوص ترویج فرهنگ وقف است.

۲- تاریخچه ی وقف

وقف، سابقه طولانی در فرهنگ ملل و تمدن های تاریخ بشری دارد. تاریخچه ی وقف به پیش از ظهور اسلام باز می گردد. شواهد و قرائن نشان می دهد، که این عنوان پیش از اسلام بین پیروان همه ادیان در غرب و شرق متداول بوده و اداره ی معبدها، صومعه ها و آتشکده ها، زندگی اسقفها، موبدان و کاهنان از منافع و درآمد های موقوفات بوده است. دکتر الکبسی می گوید: حبس پیش از اسلام نیز معروف بوده گرچه به نام حبس یا وقف نامیده نمی شده است (الکبسی، ۱۳۸۰، ۳۷ و ۳۸). ملت ها با وجود اختلاف ادیان و معتقداتشان با انواعی از تصرفات مالی آشنا بودند که از حیث مفهوم، از حدود معنای وقف اسلامی دور نبود.

اوقاف ابراهیم خلیل (ع) که تا امروز نیز باقی است خود بهترین دلیل بر وجود وقف قبل از اسلام است (همان منبع، ص ۱۶۸). همچنین، هنگام فتح شوش در بقعه ی دانیال نبی، سندی به دست آمده است که به موجب آن گنجی برای پرداخت وام های بدون ربح اختصاص یافته بود و خلیفه دستور داد که گنج به دست آمده به بیت المال منتقل شده، طبق دستور مندرج در سند عمل شود (ابو سعید، ۱۳۷۸، ۱۱).

در مصر قدیم، فراعنه، املاک و زمین هایی را برای راهبان اختصاص می دادند و در تمدن یونان باستان، آثار و نشانه هایی از وقف کتایخانه ها و مراکز آموزشی وجود دارد. در سال های قبل از ظهور اسلام، مصادیق وقف و فعالیت های خیریه در سیره پیامبران الهی مشاهده می شود. همان طور که گفته شد، حضرت ابراهیم (ع)، از پایه گذاران اولیه وقف بود که در زمان حیات ایشان، نهاد های امدادی و خیریه ای بنیان گذاشته شد که منابع اولیه آنها از طریق وقف تأمین می شدند. نکته قابل تأمل آن است که خیرین و نیکوکاران با اختصاص دارایی و اموال شان به صورت وقف، از مالکیت بر آن اموال برای همیشه می گذاشتند

و آن‌ها را صرف امور عام المنفعه می‌کردند (همچنان که در تعریف وقف ذکر شد).

بعد از ظهور اسلام این روش پسندیده از زمان تشریع و روزگار رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع) و زمان صحابه تا روزگار تابعین و تابعان آنان ادامه یافت. برای نخستین بار رسول گرامی اسلام (ص)، در سال سوم هجرت، پس از جنگ احد، هفت بوستان و مزرعه آماده را به نام «بساتین سبعة» یا «حیطان السبعة» که به آن حضرت هدیه شده بود، وقف کرد (راوندی، ۱۳۷۵: ۱۰۵). این بوستان‌ها متعلق به یک یهودی بنام مخیریق بود که در جنگ احد به یاری پیامبر (ص) آمده بود، مخیریق نامی از اغنیای احبار یهود بنی قینقاع اسلام ناورده است که به صف مجاهدان اسلام پیوست و وصیت کرد که اگر کشته شد دارایی‌اش را در اختیار حضرت محمد (ص) قرار دهند تا به هر خیر که خدایش فرموده و خود خواهد هزینه کند (عالمزاده ۱۳۷۲، ۴۵).

۳- وقف در جامعه؛ آسیب‌ها و موانع

با توجه به شواهد، هنوز فرهنگ وقف آن‌طور که درخور و شایسته نظام جمهوری اسلامی است نهادینه نشده و هنوز با ایده آل‌های لازم در این باره فاصله زیاد داریم و بدان دست نیافته ایم. اما این‌طور هم نیست که هیچ کاری در این راستا صورت نگرفته باشد.

آنچه مسلم است این است که وقف یک نهاد اسلامی برجسته بوده‌است که نقشی مهم و بزرگ را در حمایت از تمدن اسلامی در طول تاریخ داشته است.

این در حالی است که در وضعیت کنونی، وقف در کشورهای اسلامی آن‌طور که باید کارآمد نبوده است و از نقاط ضعف متعددی رنج می‌برد و نیاز به کارآمد کردن نقش وقف در دوران کنونی بیش از پیش احساس می‌شود؛ چرا که فقر و عقب‌ماندگی در جهان اسلام رو به افزایش است که یکی از راه‌حل‌های این تهدیدها، توجه و اهمیت دهی به فرهنگ وقف و توسعه و ترویج آن است.

بنابراین، بنا به دلایلی چند، امر خدا پسندانه وقف و عرضه آن در جامعه طی سالهای اخیر، دچار آسیب‌هایی شده است.

۴- عمل نکردن به نیت واقف:

از نظر فقهی مال وقف در دست ناظر، امانت است و او باید از آن محافظت کرده، به شیوه‌ها و روش‌های مناسبی که واقف سفارش کرده، به کار گیرد تا هدف مورد نظر تأمین شود. کتاب‌های فقهی سرشار از مطالبی است که واجبات ناظر را مشخص می‌کند و البته همه آنها در راستای حفظ اصل وقف و عمل به نیت واقف است.

یکی از عواملی که پس از انقلاب اسلامی موجب کاهش انگیزه برای وقف کردن شده عمل نکردن به نیت واقف است. دکتر شهیدی می‌گوید: بکوشید درآمدهای رقبه عیناً به مصرفی برسد که واقف تعیین کرده است، مگر آنکه چنان مصرفی حقیقتاً

متعذر باشد. یعنی نتوان انجام داد. بدین نیندیشید که ممکن است انجام آن از لحاظ منطق امروزی سودی نداشته باشد. اگر مورد مصرف وقف را به هم بزنیم واقفیهایی که میخواهند موقوفه ی آنها پایدار باشد، دیگر به این کار رغبت نخواهند کرد، چرا که احتمال می دهند با موقوفه آنها هم، نظیر همین کار را بکنند.

تغییر نام موقوفات:

در طی دهه های گذشته اسامی بعضی از موقوفات تغییر یافته است که این عمل می تواند موجب بی احترامی به وقف و واقف در جامعه تلقی گردد و اثرات منفی بسیاری روی انگیزه واقفین داشته باشد و چه بسا که مورد اعتراض بستگان و یا بازماندگان واقف قرار بگیرد.

بنابراین، تغییر نام اموال وقفی که هنوز هم در برخی از موارد اتفاق می افتد، موجب می شود تا یک جو بی اعتمادی و دیدگاه منفی در ذهن افرادی که قصد وقف اموالشان را دارند، ایجاد شود.

برای ترویج و گسترش فرهنگ وقف باید تلاش شود تا نام اموال را که متعلق به فرد واقف است، تغییر داده نشود تا از این طریق اعتماد و علاقه میان افراد خیر و واقف برای وقف دارایی ها ایجاد شود.

۵- ضعف در سیستم اطلاع رسانی:

ضعف در سیستم اطلاع رسانی آثار و عواقب منفی ریادی در پی داشته است که یکی از آنها کاهش رغبت واقفان برای ایجاد موقوفات جدید شده است.

اطلاع رسانی خوب، صحیح و به موقع هم می تواند در گسترش وقف و تشویق مردم به انجام این عمل صالح موثر باشد، چون وقتی که مردم از برکات دنیوی و اخروی وقف مطلع شوند و ببینند که چه افراد خیری اقدام به وقف مال و اموال خود کرده اند به طور یقین تشویق می شوند و به این امر خیر گرایش پیدا می کنند، این در حالی است که متأسفانه در رسانه های جمعی و گروهی کشورمان از صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی گرفته تا نشریات و مطبوعات کثیرالانتشار هیچکدام برنامه ها و مطالبی در این باره که درخور توجه باشد ندارند.

اعمال خیر از جانب مردم و برای مردم است؛ از این رو خود آنها باید در آن مشارکت داشته باشند. بدین منظور، مؤسسات و بنیادهای خیریه باید همیشه با تبلیغ و تبیین مسائل مربوط به وقف، مردم را از آن آگاه و بدان تشویق کنند، اما متأسفانه در جوامع اسلامی این کار کمتر صورت می گیرد. دلیل این سخن هم آن است که موقوفات جدید کمتری ایجاد شده است. در مقابل، یکی از مهم ترین عوامل موفقیت اعمال خیر در غرب همین آگاهی بخشی مستمر به مردم است که از آنها دعوت می شود در اعمال خیر مشارکت داشته باشند.

متأسفانه در رسانه های جمعی و گروهی کشورمان، از صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی گرفته تا نشریات و مطبوعات

کثیرالانتشار، هیچکدام برنامه ها و مطالبی در این باره که درخور توجه باشد، ندارند.

نباید فقط تمام نگاه ها به سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان متولی اصلی موضوع وقف در کشور، معطوف شود، بلکه؛ رسانه ها هم در این باره باید نقش مهم خود را در معرفی اماکن موقوفه و افراد خیر به جامعه ایفا کنند. به عنوان مثال؛ انعکاس دیدگاه های یک فرد خیر و انگیزه او برای انجام وقف مال خود در رسانه ها خصوصاً رادیو و تلویزیون می تواند در اشاعه فرهنگ وقف و ترغیب مردم به انجام این عمل خیرخواهانه بسیار مؤثر باشد.

این آگاهی بخشی باید از طریق همه ی رسانه ها و با جدیدترین تکنیک ها صورت گیرد. چنان که در سایت های مؤسسات پشتیبان و مؤسسات خیریه، فراخوان های مستمری خطاب به نیکوکاران و خیران ملاحظه می گردد که از اهمیت دینی و اجتماعی کمک های خیریه سخن می گویند و بازدیدکنندگان را راهنمایی می کنند. این سایت ها با طراحی بخش هایی مانند؛ پاسخ به پرسش های متنوع، فهرست موارد نیازمند کمک های خیر، راهنمای داوطلبان اعمال خیر و دیگر راهنمایی ها که موجب افزایش اقدامات خیرخواهانه در میان شهروندان منجر شده است، گام برمی دارند. (بهرامی، ۱۳۹۴: ۱۶).

۶- دخالت دولت و محدودیت قانونی وقف:

یکی دیگر از آسیب های موجود در ممانعت از گسترش وقف در جامعه، دخالت نابجای دولت در امور و اموال موقوفه است. این دخالت در ابعاد مختلفی است:

الف. تسلط حکومت بر اموال وقفی؛

ب. مدیریت دولتی وقف (عبد الله العمر، ۱۴۲۱ق)؛

ج. تحمیل مالیات و عوارض بر پاره های اقدامات وقفی در برخی از کشورهای دیگر اسلامی.

قوانین متعددی در برخی از کشورها برای سازماندهی اوقاف صادر شده است، ولی بسیاری از آنها با ماهیت وقف که یک اقدام غیردولتی است منافات دارد و بالعکس سبب تقویت تسلط حکومت بر وقف گشته، انشاء موقوفات جدید برای مسلمانان را با مشکل مواجه ساخته است؛ در برخی از کشورهای اسلامی هم در اصل قوانینی برای وقف وجود ندارد (عبد الفتاح علی جبریل، ۱۴۲۴ق).

دخالت دولت در امور و اموال موقوفه، آثار و نتایج منفی چندی به همراه داشته است که در ذیل به دو مورد آن اشاره می شود:

۷- توقف انشاء موقوفات جدید:

ملاحظه می شود نسبت زیادی از موقوفات فعلی از وقف گذشتگان است و به ندرت اتفاق افتاده است مسلمانان به انشاء موقوفات جدید دست زنند. این امر هم نتیجه وضعیتی است که از تولیت وقف توسط دولت به وجود آمده است و بسیاری معتقدند وقف

بر خلاف ماهیت آن که یک اقدام شخصی و غیردولتی است، یک عمل دولتی شده است.

۸- ناچیز بودن درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری‌های وقفی:

این امر به سبب مدیریت دولتی است که ناکارآمدی آن در مدیریت شرکت‌های بخش عمومی ثابت شده است. با این حال، همچنان پروژه‌های وقفی را که ده‌ها میلیارد جنیه مصری تخمین زده می‌شود در دست دارد.

بین رفتن اصل موقوفات به خاطر دست‌اندازی سوداگران:

این امر به واسطهٔ تبانی با برخی از کارمندان بی‌تقوای اوقاف، در طول سالیان دراز صورت گرفته است. این علاوه بر آن است که آماری دقیق از اوقاف وجود ندارد و سند برخی از موقوفات هم گم شده و یا از بین رفته است. همچنین شیوه‌های مدیریت و بهره‌برداری که نوعی انحصار طلبی را در آن می‌بینیم در تلف شدن بسیاری از اموال وقفی نقش داشته است. قانون تبدیل سند موقوفات به علاوهٔ تخریب برخی از رقبه‌های اوقاف هم در این امر بی‌تأثیر نبوده است (سلیمی فر، ۱۳۸۲: ۱۴).

۹- آسیب‌ها در مدیریت وقف

در شریعت و فقه به مدیریت وقف و ادارهٔ موقوفات اهتمام و توجه ویژه شده است؛ زیرا ادارهٔ وقف در کیفیت و در وضعیت وقف بسیار مؤثر است. مدیر کارآمد و لایق، موقوفه‌ی هر چند غیر کارآمد را به اوج کارآمدی می‌رساند. برعکس اگر مدیری نالایق و غیر صالح باشد، بهترین موقوفه را تبدیل به رقبه‌ی بی‌فایده و ناخوشایند می‌کند.

بنابراین، یکی از مهمترین راه‌هایی که به ترویج و گسترش فرهنگ وقف کمک می‌کند بهینه‌سازی مدیریت وقف و نحوه اداره موقوفات است، به بیان دیگر وقتی که مردم می‌بینند موقوفات به خوبی اداره می‌شوند و به حال خود رها نمی‌شوند قطعاً تشویق می‌شوند که به این موضوع مهم توجه نشان دهند، اما عکس این قضیه، اگر مشاهده شود که هر مکانی پس از وقف به حال خود رها شده و هیچگونه نظارتی هدفمند و قانونمند بر آن اعمال نمی‌شود و متولی خاصی ندارند، بدون شک این مسأله می‌تواند به دلسرد شدن مردم و رویگردانی آنها به مسئله وقف منجر شود. بنابراین، نوع مدیریت بر موقوفات و نحوه اداره آن از نگاه مردم بسیار حائز اهمیت است.

علاوه بر موارد فوق، چندین آسیب‌های دیگری نیز در عرصه وقف قابل ذکر است که برخی از آنها عبارتند از: عدم آشنایی با موازین قانونی و شرعی وقف، عدم رعایت حقوق وقف و انفاق و عدم پرداخت دیون دستگاه‌ها به موقوفات، وجود نهادهای موازی در اخذ خیرات و حسنات و عدم وجود نظارت بر عملکرد آنها، فروش موقوفات در زمان اصلاحات ارضی و ابطال بعضی از اسناد وقفی و ...

با توجه به شواهد، هنوز فرهنگ وقف آن طور که درخور و شایسته نظام جمهوری اسلامی است نهادینه نشده و هنوز با ایده آل های لازم در این باره فاصله زیاد داریم و بدان دست نیافته ایم. اما اینطور هم نیست که هیچ کاری در این راستا صورت نگرفته باشد. آنچه مسلم است این است که وقف یک نهاد اسلامی برجسته بوده است که نقشی مهم و بزرگ را در حمایت از تمدن اسلامی در طول تاریخ داشته است. این در حالی است که در وضعیت کنونی، وقف در کشورهای اسلامی آنطور که باید کارآمد نبوده است و از نقاط ضعف متعددی رنج می برد و نیاز به کارآمد کردن نقش وقف در دوران کنونی بیش از پیش احساس می شود؛ چرا که فقر و عقب ماندگی در جهان اسلام رو به افزایش است که یکی از راه حل های این تهدیدها، توجه و اهمیت دهی به فرهنگ وقف و توسعه و ترویج آن است

بنابراین، بنا به دلایلی چند، امر خدا پسندانه وقف و عرضه آن در جامعه طی سالهای اخیر، دچار آسیب هایی شده است. به چند مورد از عوامل آسیب ها و آفات و موانعی که موجب کم توجهی به وقف و یا فراموشی آن در جامعه شده اند، اشاره می گردد.

وقف در حل بسیاری از مشکلات جامعه می تواند نقش مهم و کارسازی را ایفا نماید، از همین رو باید به سمت و سویی کشیده شود که نیازهای واقعی و اساسی جامعه را حل کند.

پرواضح است که فعلیت یافتن توانایی های وقف در افزایش سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، تعدیل نابرابری های درآمدی، کاهش فقر در جامعه و سایر آثار مثبت آن به گسترش «فرهنگ وقف در جامعه» و طراحی شیوه ها و روش های جدید برای جذب اعضای جامعه در راستای تحقق این سنت نیکو می باشد. لازم است زمینه های جدیدی که مورد نیاز جامعه می باشد، از جمله وقف بر پژوهش و تولید علم و فناوری و وقف بر امور اجتماعی مانند ازدواج و غیره طراحی و بر واقفان عرضه شود. به علاوه استفاده از روش های نو در وقف مانند؛ ایجاد «بانک وقف» و «وقف سهام» شرکت های اقتصادی، موجب می شود که غالب افراد جامعه احساس کنند که می توانند در این مسیر ارزشمند حرکت نمایند. در این صورت است که وقف از حصار تنگ ثروتمندان خارج شده و به عنوان یک فرهنگ در جامعه ظهور خواهد کرد و در نتیجه آثار و خیرات آن نیز به نحو بارزتری در جامعه تحقق خواهند یافت.

بر این اساس، جهت شکوفایی وقف و گسترش فرهنگ وقف در جامعه تنها یک نهاد یا ارگان مسئول نیست، بلکه؛ همه دستگاههای تبلیغی و اجرایی کشور موظفند تا در جهت اعتلای فرهنگ وقف در جامعه با یکدیگر همکاری نمایند و زمینه های شکوفایی آن را فراهم آورند.

سازمان اوقاف و امور خیریه، مبلغان دینی، ائمه جمعه و جماعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما، وزارت کشور

و مجلس شورای اسلامی از جمله نهادها و وزارتخانه‌هایی هستند که می‌توانند در چگونگی ترویج و اشاعه فرهنگ وقف در جامعه، نقش اساسی ایفا کنند.

انسان امروز با همه فرهنگ‌ها و بینش‌های گوناگون خویش، وقف و بنیادهای وقفی و خیریه را پدیده‌ای سودمند و در مسیر رشد و تعالی تمدن انسانی و توسعه همه جانبه جامعه حتی در مادی‌ترین تمدن‌های امروزی، می‌شناسد. آنان، همچون نیاکان خویش به خوبی دریافته‌اند که وقف، می‌تواند به مانند چشمه همیشه جاری، چون همیشه کارساز و سودمند باشد، گوشه‌ای از آلام بشری را تسکین بخشد و در رشد و توسعه علمی، آموزشی، اخلاقی و انسانی جوامع مؤثر افتد.

وقف بهترین و مؤثرترین وسیله تکافل اجتماعی می‌باشد، که آن عبارت است مقدار مالی که فرد یا افراد به انتخاب خود از مالکیت مجازی شان خارج می‌کنند و به مالکیت حقیقی آن، یعنی خداوند پاک و بلند مرتبه بر می‌گردانند تا مورد استفاده‌ی عموم مردم که جانشین خداوند در اموال او هستند قرار می‌گیرد و منافع آن در راه تأمین نیازمندی‌های مردم و تحقق عدالت اجتماعی مصرف شود.

به طور خلاصه اهمیت وقف را می‌توان چنین بیان کرد:

۱- با وقف، فرهنگ دینی در مکان‌هایی همچون مساجد، نهادهای دینی می‌شود.

۲- به دلیل فساد زایی تکاثر ثروت، وقف از تکاثر پیشگیری می‌کند و در نتیجه، توازن اجتماعی را به وجود می‌آورد.

۳- با گسترش عدالت اجتماعی از طریق وقف، کارآمدی و موفقیت دین در جامعه تضمین می‌شود و از این طریق فرهنگ دینی بسط می‌یابد.

۴- آرامش روانی که برای واقفان پدید می‌آید، به نوعی به سلامت روحی و اجتناب از گناه منجر می‌شود از این رو، فرهنگ دینی توسعه پیدا می‌کند.

طی سالهای اخیر آسیب‌هایی چندی در بعد عرضه وقف در جامعه، موجب کم رنگ شدن این امر خداپسندانه شده است. در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- دخالت دولت: نهاد وقف در اسلام نقشی بزرگ در تاریخ اسلامی و حمایت از تمدن اسلامی داشته است، اما وضعیت موجود آن در بعد اجرایی از نقاط ضعف متعددی رنج می‌برد که یکی از دلایل آن به سبب دخالت دولت در مدیریت آن است.

۲- تبیین نکردن آثار وقف: یکی دیگر از موانع در این زمینه، توجیه نبودن مسلمانان از ثمرات مهم وقف و موارد جدید مورد نیاز می‌باشد.

۳- ناآشنایی مردم با مسائل فقهی و شرعی وقف: برای تصحیح روند وقف در جهان اسلام باید در درجه نخست به احکام فقهی مقید بود؛ سپس از نهاد وقف در غرب به‌ویژه در عرصه سازماندهی، مالی، اداری، حسابرسی، کیفیت مصرف و اطلاع رسانی

شفاف بهره گرفت.

۴- ایجاد نگرش منفی به وقف در بین ممالک اسلامی: نگرش و دید نچندان مثبت در سالهای اخیر در کشورهای اسلامی نسبت به وقف پیدا شده است. این آسیب نیازمند بررسی بیشتر در جوامع اسلامی می باشد. ولی وضعیت کنونی نهاد وقف در جهان غرب از بعد عملی وضعیت خوبی دارد، به طوری که علاوه بر داشتن سازمان‌دهی و مدیریت کارآمد، اقبال مردم و نگرش مثبت به آن نیز بیشتر شده است.

۵- کمبود تحقیقات و پژوهشها: به تحقیقات و نوشته‌های جدید در موضوع وقف نیاز است تا با پرداختن به وقف از حالت بیان گزارش تاریخی و احیای متون گذشته بیرون بیاید و موضوعاتی مانند سازمان‌دهی اداری و مالی و حسابرسی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.

تجربه وقف در کشور های اسلامی نشان می دهد که موقوفات می توانند در تحقق اهداف مرتبط با توسعه اجتماعی و توسعه انسانی ایفای نقش کنند. برای نمونه، خدمات شهری، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان از شاخص های توسعه انسانی و اجتماعی هستند و گسترش فرهنگ وقف در زمینه های آموزش، بهداشت و رفاه اجتماعی تأثیر بسزایی در ارتقای توسعه انسانی و اجتماعی دارد.

در صورتی که اوقاف به طور مطلوب مدیریت شود، فقر، اختلاف طبقاتی و نیز مشکلات اجتماعی در بعد مالی و ... به حداقل میرسد، اما متأسفانه هنوز نگاه های جامع، ذهنیت ایده آل و مطابق مقاصد شریعت و شارع، کمتر به چشم می خورد؛ از این رو نهاد وقف کارآیی و کارآمدی خود را آنطور که شایسته است، باز نیافته است. این گزارش تلاشی هرچند ابتدایی برای ترسیم سیمای وقف در جامعه است. هدف نشان دادن تحولات در طول دهه های اخیر و تحلیل مشکلات و نواقص بوده است. امید است نهاد وقفی نمونه و ایده آل در ایران تأسیس گردد به گونه ای که برای همه جهانیان اسوه باشد.

می توان گفت، اگر اوقاف در مسیر صحیح به راه انداخته شود و واقفان به راه معقول و درستی هدایت شوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل می شود، به عبارت دیگر، کارنامه درخشان وقف این نوید را به ما می دهد که از طریق گسترش موقوفات و هدایت آنها می توان اکثر نیازها و ضروریات جامعه را تأمین کرد و سنگینی این امور را از بیت المال مسلمین برداشت یا لاقلاً از فشار آنها بر بودجه کل کشور کاست. با توجه به کارکردهای مثبت وقف در جامعه، ضروری است که از طریق تدوین یک سیاست اصولی و برنامه ریزی شده از سوی دولت به منظور شکوفایی فرهنگ وقف در جامعه، زمینه های احیای این سنت حسنه و نبوی را فراهم آورد. این امر مستلزم تلاش همه دستگاههای اجرایی کشور است. از همه مهمتر، عمل مسؤولان به وقف به عنوان الگو می تواند در گرایش و سوق دهی مردم در عمل به وقف مؤثر باشد و به تدریج فرهنگ وقف در جامعه حاکم گردد.

بنابراین، فرهنگ وقف و بنیادهای خیریه وقفی از عناصری هستند که در طول تاریخ تمدن اسلامی و حتی بشری نقش ارزنده و سازنده ای در توسعه علم و فن آوری و امر تحقیق و پژوهش داشته اند. موقوفات از نظر درآمد و بهره مستمری که همیشه داشته اند از بهترین و پایدارترین منابع مالی و حمایت کننده برای انجام پژوهش ها و توسعه علم و دانش در جوامع اسلامی در طول تاریخ و در کشورهای غربی در یک قرن اخیر بوده اند. حمایت از پژوهشگران و دانشمندان و به وجود آمدن نهادهای بزرگ علمی و تحقیقاتی و آموزشی نظیر مدارس، کتابخانه ها، بیمارستانها، نظامیه ها، رصدخانه ها در پوشش فرهنگ اصیل وقف صورت گرفت و واقفان و نیکوکاران خداجوی با ایجاد مراکز همگانی دانش و پژوهش تلاش نمودند با برآوردن نیازهای پژوهشگران زمینه ای را فراهم آورند که آنها بتوانند بدون دغدغه معاش و هزینه های زندگی، به امر تحقیق و پژوهش و نگارش و توسعه علوم بپردازند.

سر انجام می توان گفت، به نظر می رسد در میان جوامع موجود، جمهوری اسلامی ایران مناسب ترین شرایط و بستر برای حرکت به جهت مورد نظر (توسعه وقف به عنوان شالوده توسعه اقتصادی) را داراست و امید است با یاری خداوند و تلاش بندگان مخلص او، ایده مطرح شده بتدریج تکمیل و تکامل یابد و وقف محوری برای توسعه اقتصادی واجتماعی جامعه گردد.

بدیهی است که اگر وقف برای کارهای عمرانی، صنعتی، کشاورزی و سرمایه گذاری در کارهای تولیدی باشد نسل جدید به وقف روی خواهد آورد و موقوفات تازه شکل می گیرد. تأسیس کتابخانه های عمومی، موزه ها، ساخت خوابگاه های دانشجویی، تأسیس مراکز آموزشی برای فراگیری حرفه و شغل توسط جوانان، ساخت کارخانجات تولیدی و مراکز خدماتی در مناطق محروم و جذب جوانان بیکار، تأسیس مدارس شبانه روزی برای کودکان بی بضاعت، کمک به سازمان بهزیستی، آموزش و پرورش، دانشسراها، هلال احمر، تهیه مسکن ارزان قیمت برای جوانان و... می تواند از جمله مصارف جدید اوقاف و نیز ایجاد موقوفات جدید با توجه به نیازهای جامعه باشد که آثار آنها در جامعه بیشتر خواهد بود و مردم نیز با دیدن آثار و کارکرد وقف در این زمینه در ایجاد موقوفات تازه شرکت می کنند. شناسایی زمین های وقفی در سراسر کشور از سوی سازمان اوقاف به ویژه زمین های وقفی که در نتیجه اصلاحات ارضی به دست مردم افتاد، بازسازی موقوفه های مخروبه نیز می تواند در احیای موقوفات مؤثر باشد. به نظر می رسد بیان کارکردهای موقوفه های آستان قدس رضوی برای مردم، آنها را به تشکیل موقوفات تازه تشویق و کمک نماید. بنابراین، باید تحقیق شود که نیازهای جامعه چیست تا متناسب با آن نیازها موقوفات جدید شکل بگیرد. تدوین قوانین تازه درباره موقوفات از سوی مجلس شورای اسلامی و استفتا از مقام معظم رهبری درباره مصارف جدید موقوفات در این زمینه بسیار مؤثر و راهگشاست. مسؤولان ذی ربط نیز موظف به تبلیغ، راهنمایی و تشویق مردم در ایجاد موقوفات جدید هستند. تهیه جزوات آموزشی و برگزاری کلاس های آموزشی برای توجیه مردم و دانش آموزان که امور فرهنگی و پرورشی آنها گنجانده شود در این خصوص ضروری است.

وقتی می‌خواهیم مسئله‌ای عمومیت پیدا کرده و به رفتار و عمل در اجتماع تبدیل شود، نیاز به ارزش سازی در ذهن افراد دارد. وقتی تبدیل به ارزش شد، مردم خواسته یا ناخواسته به سمت آن رهنمون شده و از آن برای بالاکشیدن و رشد خود در اجتماع استفاده می‌کنند مانند اتفاقی که در مدرک‌گرایی و تحصیلات تکمیلی افتاد و ارزشی که برای مدرک اتفاق افتاد سبب ایجاد رقابت شد. این موضوع بسیار مهم است و ارزش سازی در ذهن عموم جامعه، باعث ایجاد جریان اجتماعی می‌شود.

در دوران صفویه مردم خیراندیش برای استفاده عموم به خصوص نیازمندان؛ مدارس، مساجد، بیمارستان‌ها، تیمارستان‌ها، جذامی خانه‌ها، پل‌ها، رباط‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها، بازارها، آب انبارها و نظایر آن را وقف می‌کردند. نقل است که مردم به دنبال زمینی یا مالی برای وقف می‌گشتند و همه زمین‌ها وقف شده بود. به علت جریان اجتماعی که شکل گرفته بود، مردم خواسته و ناخواسته به سمت آن گرایش پیدا می‌کردند و در کنار انگیزه‌های الهی و خیرخواهانه، انگیزه‌های اجتماعی و همرنگ جماعت شدن هم در این کار مؤثر بود اما متأسفانه امروز چنین جریان اجتماعی در حوزه وقف و نیکوکاری دیده نمی‌شود. این امر مهمترین عاملی است که سبب شده وقف توسعه پیدا نکند، حتی در برابر آن پدیده‌هایی اتفاق افتاده که از وقف و نیکوکاری ارزش‌زدایی کرده است. به طور نمونه آثاری بسیار جذاب که فردی به ظاهر فرهیخته و انسان دوست محور، مدیر خیریه‌ای است ولی با گذشت زمان مشخص می‌شود که فرد در حال انجام پولشویی و تجارت سیاه ... است. این موارد همه سبب می‌شود ذهنیت مردم نسبت به نیکوکاری خراب شود و مردم جرأت کمک به خیریه‌ها را پیدا نکرده و مستقیم به این کار اقدام کنند.

حجم زیادی از شبهات و تبلیغات منفی علیه حوزه نیکوکاری و وقف ... در فضای مجازی با رویکردهای دینی و اجتماعی دیده می‌شود و در این راه به جای ارزش آفرینی، ارزش‌زدایی و تخریب ذهن مردم صورت گرفته است. نتیجه این می‌شود که مردم نسبت به خیریه‌ها بی‌اعتماد شده و به طور نمونه هنگام وقوع بلایای طبیعی به جای خیریه‌ها به سلبریتی‌ها اعتماد می‌کنند و هیچ نظارتی بر نحوه خرج کردن آنان نیست. اگر بخواهیم این ارزش‌ذهنی ایجاد و توسعه پیدا کند، باید الگوهای جدید نیکوکاری را معرفی کنیم. امروز سبک نیکوکاری مردم با دویست سال قبل تغییر کرده است. متأسفانه در این حوزه الگوهای جدید را معرفی نکرده‌ایم. نیکوکاری فردی به سمت نیکوکاری جمعی و نیکوکاری حقیقی به سمت نیکوکاری حقوقی رفته و سازمان‌های خیریه از شبکه‌های بزرگ خیریه‌ای شکل گرفته و خیرین نمی‌توانند کار کنند. این در حالی است که در دنیا شبکه‌ای از مؤسسات نیکوکاری در حوزه‌های مختلف شکل گرفته‌اند. این شبکه سازی سبب موازی کاری نشدن و هم‌افزایی آنان می‌شود اما ما نتوانسته‌ایم ظرفیت سازی کرده و از این امر بهره ببریم.

منابع

- امینیان مدرس، محمد (۱۳۸۱)، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، آستان قدس رضوی، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- امینیان مدرس، محمد (۱۳۸۱)، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، تهران، انتشارات، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) چاپ اول.
- بزرگی سید مهدی (۱۳۷۹)، راههای ترویج فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات جدید در جامعه، فصلنامه وقف میراث جاوید تابستان، شماره ۳۰ (۱۰۶-۱۱۷).
- بزرگی، سید مهدی. (۱۳۷۰). راههای ترویج فرهنگ فخر و ایجاد موقوفات جدید در جامعه فصلنامه وقف میراث جاویدان تابستان ۷۹ شماره ۱۳۲
- بزرگی، مهدی (۱۳۷۳)، راههای ترویج فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات جدید در جامعه، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره ۲.
- دالمانی، هانری رنه، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه‌ی فره‌وشی، تهران، چاپ گیلان، ۷۳ - ۷۲ .
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۲)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم.
- دین، اسفند (۱۳۸۶)، ماهنامه ی فرهنگی، سیاسی اجتماعی داخلی سازمان اوقاف و امور خیریه
- راهکارهای توسعه فرهنگی خیر ماندگار طویه ابراهیمی سال دوم شماره ۶ ۱۳۹۶
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۵)، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم.
- ریاحی سامانی، نادر (۱۳۷۸) وقف و سیر تحولات قانونگذاری در موقوفات، شیراز، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول.
- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، نگاهی کوتاه به سنت نبوی وقف، ۱۸
- سامانی، احسان (۱۳۹۴) بررسی فقهی حقوقی وقف از سوی و بر/شاخص حقوقی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
- سپنتا، عبدالحسین، تاریخچه‌ی اوقاف اصفهان، اداره‌ی کل اوقاف اصفهان، (۱۳۴۶)، ۳۴۳ - ۳۴۰ .
- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰)، نگاهی به: وقف، آثار اقتصادی - اجتماعی آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۸۲)، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن، تهران: نشر اندیشه.
- سهرابی وفا، مریم (۱۳۹۴)، مطالعه تطبیقی وقف در حقوق ایران و تراست در حقوق انگلیس، پایان نامه دانشگاه پیام نور، مرکز بهار .
- شهابی، علی اکبر (۱۳۴۳ق)، تاریخچه وقف در اسلام، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.

شهیدی حمیده. (۱۳۹۴). نقش وقف در توسعه آبی و شکل‌گیری فضاهای شهری مشهد در دوره صفویه مطالعات تاریخی اسلام

سال هفتم شماره ۲۵

صادقی گل در احمد. (۱۳۸۵). مقدمه بر فرهنگ وقف انتشارات سائن تهران

طباطبائی، عطیه سادات (۱۳۹۳) وقف در قرن ۲۱ (با نگاهی برگزیده و آینده) تهران، انتشارات ایده نو، چاپ دوم.

عالمزاده، هادی (۱۳۷۲)، نقش موقوفه در اسلام، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره ۳.

عباسی، جواد (۱۳۷۴)، مدارس عصر ایلخانی، پیوند دانش و وقف، وقف میراث جاویدان، سال سوم، شماره ۲.

عباسی، جواد (۱۳۷۴)، مدارس عصر ایلخانی، پیوند دانش و وقف، وقف میراث جاویدان، سال سوم، شماره ۱۰.

عبد الحلیم عمر، محمد (۲۰۰۴م)، تجربه إدارة الأوقاف فی جمهوریة مصر العربیة، پژوهش ارائه شده به همایش «التطبیق

المعاصر للوقف» (راهکارهای اجرایی وقف در جهان معاصر)، برگزار شده در شهر قازان تاجیکستان از سوی «المعهد

الإسلامی للبحوث و التدريب» در جدّه با همکاری دبیرخانه کل اوقاف کویت.

عبد الفتاح علی جبریل، علی (۱۴۲۴ق)، حركة تقنین أحكام الوقف، دبیرخانه عمومی اوقاف کویت،

عبد الکریم الحورانی، یاسر (۱۴۲۲ق)، الوقف و العمل الأهلّی فی المجتمع الإسلامی المعاصر، الكويت: الأمانة العامة للأوقاف

بالکویت.

عبد الله العمر، فؤاد (۱۴۲۱ق)، إسهام الوقف فی العمل الأهلّی و التنمية الاجتماعية، دبیرخانه عمومی اوقاف کویت.

عسکری محسن و آرش بغدادی. (۱۳۹۴). آسیب شناسی چهارچوب مطالعات کاربردی وقف در شهر اسلامی فصلنامه مطالعات

شهر ایرانی اسلامی شماره ۲۰

عمران‌زاده بهزاد. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی فصلنامه مطالعات شهر ایران اسلامی

شماره ۱۶

عمید، حسن (۱۳۶۳) فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.

فرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۱)، قاموس قرآن، ج ۷، تهران: انتشارات دارالکتاب الاسلامیه.

فیض، علیرضا (۱۳۷۳)، وقف وانگیزه های آن، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره ۴.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۲)، فروع کافی (ج ۷)، تهران: انتشارات مکتب اسلامی.

کاتوزیان، ناصر، عقود معین (۱۳۷۳)، تهران، انتشارات یلدا، چاپ دوم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم

کاتوزیان، ناصر، تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن، مجله نقد و نظر، دوره ۶، زمستان ۱۳۷۸، شماره ۲۲-۲۱ (۳۰۷-۳۳۱).

گزارش مسؤولین اداره‌ی موقوفات ملک، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی ۲۷

لطف عطاء، اسد الله (۱۳۷۹)، نگاهی به وقف در عرصه‌ی تحولات جدید، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال هشتم، شماره ۳۰.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار (ج ۱۰۳)، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی

محقق، حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق) (شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ ۴جلد، قم - ایران ، مؤسسه اسماعیلیان چاپ دوم.

مصری، حسنی (۱۹۸۵م)، فکرة الترسـت و عقد الاستثمار المشترك فی القیم المنقولـة، ناشر مؤلف، چاپ اول

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، جلد ۲، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

ملک افضلی، محسن و درون پرور، حامد (۱۳۹۲) جایگاه و نقش وقف در توسعه فرهنگی، فصلنامه تحقیقی، اجتماعی و تاریخی سال بیست و یکم، پاییز، شماره ۸۳ (۱۹-۳۴).

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، تحریر/الوسیله، قم، انتشارات دارالعلم .

میراحمدی مریم. (۱۳۷۱). پژوهشی در موقوفات عصر صفوی فصلنامه تحقیقات جغرافیایی مشهد آستان قدس رضوی شماره

۲۵

نایب زاده، اشرف (۱۳۹۴)، بررسی فقهی حقوقی نقش حاکم در وقف عام، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

هدایتی، سید علی اصغر (۱۳۸۰)، مقاله‌ی نقش وقف در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشورها، مروری اجمالی بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی وقف.

همدانی فضل الله، رشیدالدین، سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

واعظی، عزت الله، ۱۳۸۰، نگاهی به جایگاه وقف در فرهنگ اسلام.

یزدی، ابو القاسم ابن احمد. ترجمه‌ی فارسی شرایع الاسلام، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران.